

بررسی فقهی توجه به آثار اجتماعی فتوا*

□ محمد بنزاده**

□ بلال شاکری***

چکیده

علم فقه متصدی اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد. برای تحقق این امر یکی از مهم‌ترین شاخصه‌هایی که توجه بدان ضروری است آثار اجتماعی فتاوی فقیه در جامعه است، زیرا نمی‌توان گفت فقه زندگی انسان در جامعه را اداره می‌کند ولی توجهی به آثار احکام در جامعه ندارد. متأسفانه باگذشت زمان طولانی از تولد علم فقه به این مسئله به شکل مستقل پرداخته نشده و حدود آن نیز مشخص نمی‌باشد. در جستار حاضر تلاش شده است با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به بررسی فتاوی فقهای شیعه پرداخته و حکم فقهی توجه به آثار اجتماعی فتوا مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. در پایان این نتیجه به دست آمده است که توجه به آثار اجتماعی فتوا بر مجتهد لازم است، بنابراین؛ فقیه در مقام فتوا باید به این نکات توجه داشته باشد که فتوای وی نباید منجر به اختلال نظام یا ظلم و ضرر به دیگران شود و همچنین باید به رعایت تقیه و عدالت نیز توجه نماید.

کلیدواژه‌ها: فتوا؛ آثار اجتماعی فتوا؛ تبعات فتوا؛ فقه اجتماعی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۵/۳۰.

** دانش‌پژوه رشته تخصصی فقه و اصول، مدرس علمیه عالی نواب مشهد (Banazade1401@gmail.com).

*** استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد (b.shakeri@iran.ir).

مقدمه

«فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۲۸۹) اگر این تئوری در زندگی انسان پیاده‌سازی شده و به مقام عمل برسد، آثار مختلفی به لحاظ فردی و اجتماعی خواهد داشت. گاه نحوه اجرا یا حتی داشتن رویکردی فردی یا اجتماعی در صدور یک فتوا می‌تواند آثار مختلف مثبت یا منفی در زندگی انسان‌ها داشته باشد. بدون توجه به آثار و تبعات اجتماعی احکام محال است این تئوری واقعی و کامل به صورت دقیق و درست در زندگی عملیاتی شود. امروزه با پیشرفت ابزارهای بشری، بررسی و تحلیل آثار و تبعات احکام فقهی در سطح جامعه عمل دشواری نیست. بنابراین پرداختن به این مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این وجود در بررسی‌های صورت گرفته، پژوهش مستقلی که به بررسی آثار و تبعات اجتماعی فتاوی فقیه پردازد مشاهده نشد. البته نبود پژوهش به صورت مستقل در این زمینه به این معنا نیست که رگ و ریشه‌هایی از این مسئله در کلمات فقها یافت نمی‌شود. بلکه فقهای بزرگوار گاه و در برخی فتاوی منقول از ایشان به آثار اجتماعی فتوا توجه داشته‌اند و چه بسا برخی به آثار فتوا استدلال نیز کرده باشند. اما وجود برخی نمونه‌ها نمی‌تواند جای خالی پژوهشی مستقل در این باره که به تمامی جوانب مسئله پردازد را جبران کند. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است جوانب مختلف توجه به تأثیرات اجتماعی فتوا مورد کنکاش قرار گرفته و ضابطه و ملاکی که بر اساس آن به بررسی آثار اجتماعی فتاوی و محدوده اثرگذاری آن باید پرداخت، ارائه شود. حتی می‌توان گفت حکم فقهی چنین توجهی به عنوان یکی از احکام شرعی که متوجه شخص مجتهد است مورد بررسی قرار نگرفته و مشخص نشده است که آیا از نظر شریعت «توجه به آثار اجتماعی فتوا» متوجه مجتهد به عنوان یک مکلف، است یا خیر؟

در نوشتار پیشرو به بررسی این مسئله برای نخستین بار پرداخته خواهد شد.

بنابراین پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا مجتهد وظیفه‌ای نسبت به آثار اجتماعی فتاوی خود دارد؟

۲. چه ضابطه و ملاکی برای تعیین میزان اثرگذاری فتوا به لحاظ اجتماعی و تعیین نوع اثر آن وجود دارد؟

برای روشن تر شدن مسئله پژوهش، ابتدا به مفهوم‌شناسی اثر اجتماعی فتوا پرداخته می‌شود.

اثر در لغت به معنای باقیمانده شیء است که اگر آن شیء نمی‌بود باقیمانده آن نیز وجود نداشت (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۲۳۶/۸؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ۵۳). اثر شیء یعنی چیزی که دلالت بر وجود داشتن آن شیء می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲). نشانه و علامتی که از کاری یا کسی یا چیزی باقی ماند و دلالت بر وجود آن کند (دهخدا، ۱۳۹۰: ۸۹/۱).

بنابراین با توجه به مشخص شدن معنای اثر، می‌توان اثر فتوا را چنین معنا کرد «نشانه و علامتی که در نتیجه صدور فتوا اتفاق می‌افتد و اگر چنین فتوایی نبود، چنین اتفاقی نیز رخ نمی‌داد». اثر فتوا را می‌توان با توجه به محدوده اثرگذاری آن به فردی و اجتماعی تقسیم کرد. مقصود از اثر فردی فتوا، آثاری است که به زندگی شخصی مکلف و عمل‌کننده فتوا محدود می‌شود و هیچ‌گونه اثری بر افراد دیگر ندارد؛ حتی اگر تمام مکلفان جهان به آن فتوا عمل کنند. مثل فتوای شک بین رکعت سوم و چهارم نماز یا حکم وضوی جبیره و... .

مقصود از اثر اجتماعی فتوا آثاری است که به زندگی شخصی مکلف محدود نبوده بلکه در زندگی اجتماعی افراد جامعه اثرگذار است؛ یعنی پس از عمل به فتوایی توسط فرد یا گروهی از مکلفین، اثر آن بر زندگی دیگران نیز قابل مشاهده است و می‌توان گفت این اتفاق اثر آن فتوای شرعی است.

۱. لزوم یا عدم لزوم توجه به آثار اجتماعی فتوا

همان‌طور که بیان شد، اولین پرسش درباره مسئله پژوهش، لزوم توجه و عدم لزوم توجه مجتهدان به آثار اجتماعی فتاوی آنان است که آیا مکلف‌اند به پیامدهای اجتماعی فتوا، توجه کنند یا خیر؟ در این باره دو احتمال را می‌توان مطرح کرد: ۱. لزوم توجه به آثار اجتماعی فتوا؛ ۲. عدم لزوم توجه به آن.

چنان‌که بیان شد، با توجه به عدم طرح این مسئله به صورت صریح از سوی فقها، نمی‌توان دو احتمال مطرح شده را به صورت صریح و روشن در کلمات ایشان یافت. اما با توجه به برخی نکات و عملکردها می‌توان چنین تحلیل کرد که هر دو احتمال مطرح شده دارای طرفدارانی بوده و هست. در ادامه به بررسی این دو احتمال پرداخته می‌شود تا دیدگاه صحیح در این باره به دست آید.

۱-۱. لزوم توجه به آثار اجتماعی فتوا

به نظر می‌رسد، عموم فقهای شیعه اگر نگوئیم همه آن‌ها از قدیم تا به امروز به صورت ناخودآگاه چنین احتمالی را پذیرفته و قائل به لزوم توجه به آثار و تبعات اجتماعی فتوای خود هستند. شاهد بر این مدعا، عملکرد ایشان در ابواب مختلف فقهی است که نشان از پذیرش لزوم توجه به این نکته دارد. عناوین ۱. قاعده حرمت اختلال نظام و وجوب حفظ نظام؛ ۲. قاعده عدالت؛ ۳. قاعده لا ضرر؛ ۴. تقیه، از جمله مواردی است که می‌تواند بهترین شاهد بر مسئله باشد؛ چون خود از بارزترین نمونه‌های توجه به آثار و تبعات حکم و فتوا هستند. در حقیقت اثر اجتماعی حکم است که موجب می‌شود حکم مقید به عدم اختلال نظام یا وجوب حفظ آن، لزوم رعایت عدالت اجتماعی، حرمت ضرر زدن به دیگران و وجوب تقیه شود.

۱-۱-۱. قاعده اختلال نظام و وجوب حفظ نظام

از جمله قواعد مورد پذیرش اکثر فقها، حرمت اختلال نظام و وجوب حفظ نظام است (ملک افضل‌الدکانی، ۱۳۹۷؛ ورعی، ۱۳۹۳؛ ش ۷۱، ۵ - ۳۲؛ خرسندیان، ۱۳۹۵؛ ش ۱، ۸۳-۱۰۴). که حاکم بر سایر احکام شرعی است و در موارد مختلفی که یک حکم شرعی ممکن است انجام یا ترکش موجب اختلال نظام شود، آن حکم و فتوا ترک می‌شود؛ یا بالعکس اگر انجام یا ترکش موجب حفظ نظام شود، به آن حکم و فتوا داده شده و عمل می‌شود.

توجه به این دو حکم کلی از سوی فقها و تغییر فتاوی شخصی بر اساس آن، بهترین دلیل بر توجه ایشان به آثار اجتماعی فتاوی ایشان است. هرچند درباره این که مراد از نظام در این دو حکم و قاعده فقهی چیست، اختلاف است و معانی مختلفی همچون حکومت و نظام سیاسی

(خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵۳/۱۹)، نظام اجتماعی (خمینی، ۱۳۷۷: ۳۷)، ذهاب بیضه اسلام (نائینی، ۱۳۹۸: ۷۶) و... برای آن بیان شده است. اما با توجه به اثر اجتماعی فتوا که در این پژوهش تعریف شد، بر اساس تمام معانی ذکر شده برای این قاعده، تطبیق آن از سوی فقها و تعیین حدودمرز برای فتاوی صادره به این که نباید مثلاً منتهی به اختلال نظام شود، نشان از توجه ویژه ایشان به اثر اجتماعی فتاوی ایشان دارد.

در ادامه به ذکر برخی نمونه‌های چنین توجهی اشاره می‌شود:

الف) توجه به آثار اجتماعی عدم پذیرش اصل صحت در فعل غیر

یکی از احکامی که عدم پذیرش آن آثار منفی اجتماعی داشته و موجب اختلال نظام می‌شود، اصل صحت در فعل غیر است. آیت‌الله خوئی در اثبات این اصل و حکم کلی، بر اساس تطبیق قاعده حرمت اختلال نظام و توجه به آثار منفی عدم پذیرش چنین حکمی، استدلال کرده و قائل به پذیرش اصل صحت شده‌اند. ایشان در این باره می‌گویند معنی عدم جریان اصل صحت در عمل دیگران این است که هر زمان در صحت معامله‌ای شک داشتیم اصل، عدم صحت و عدم ترتب اثر معامله گذشته جاری و این منجر به اختلال نظام خواهد شد چون لازمه پذیرش اصل عدم صحت این است که می‌توان همسرهای دیگران را به عقد خود درآورد؛ زیرا احتمال دارد عقد ایشان اشتباه خوانده شده و عقدی محقق نشده باشد؛ یا دیگر نمی‌توان از مردم هیچ جنسی خرید؛ زیرا احتمال دارد معامله قبلی شخص باطل بوده و مالک آن جنس نباشد (خوئی، ۱۴۱۹: ۳۲۱/۴).

ب) توجه به آثار اجتماعی حکم جواز جرح و قتل هنگام امر به معروف و نهی از منکر

در باره مرتبه امر به معروف و نهی از منکر که منجر به جرح یا قتل می‌شود، عده‌ای گفته‌اند با توجه به اطلاق ادله، این مرتبه نیز جایز است. اما صاحب جواهر در رد دیدگاه ایشان می‌گوید اظهار این است بگوییم این مرتبه فقط با اجازه امام صحیح است و اقتضای جواز این مرتبه برای عموم مردم فساد نظام است و منجر به هرج و مرج و فساد عظیمی می‌شود که در شریعت پذیرفته نیست، خصوصاً در زمانه فعلی که نفاق بین مردم گسترش پیدا کرده است (نجفی، بی‌تا:

۳۸۳/۲۱). در حقیقت ایشان با توجه به آثار اجتماعی حکم به جواز که موجب اختلال نظام اجتماعی است، قائل به مشروط بودن چنین حکمی به اذن امام شده است.

ج) توجه به اثر سخت‌گیری در اثبات شرط عدالت برای بسیاری از احکام در فقه شیعه عدالت شرط لازم افعالی مثل قضاوت (یزدی، ۱۳۸۸: ۳۰۴/۱)، امامت نماز جماعت (یزدی، ۱۳۸۸: ۳۳۸/۸)، شهادت (شهید اول، ۱۴۳۰: ۱۲۳/۱۳)، امامت نماز جمعه (شهید اول، ۱۴۳۰: ۵۰/۱۳) و... می‌باشد. ظهور اولیه برخی روایات در سخت‌گیری نسبت به این وصف است به‌گونه‌ای که شخص مرتکب حرامی نشده باشد و تمام زندگی اش در مسیر رضایت الهی باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴/۲). اما محدث بحرانی درباره این روایات نظر دیگری دارند. از نظر وی این روایات حمل بر شناختن امام و ولی و خالص‌ترین اهل ایمان می‌شود که در هر زمان افراد نادر و شاذی هستند و بعید نیست که مراد این روایات امامان به صورت خاص باشند. اگر مقصود از شرط عدالت چنین اوصافی باشد قضاوت و فتوا و شهادت و نمازهای جمعه و جماعت تعطیل خواهد شد و منجر به اختلال نظام می‌شود (بحرانی، ۱۳۶۳: ۶۰/۱۰). همان‌طور که مشخص است از نگاه محدث بحرانی توجه به آثار اجتماعی حکم، می‌تواند موجب تغییر در برداشت از روایت و کنار گذاشتن ظهور آن‌ها شود. لذا ایشان اختلال نظام را که یکی از آثار اجتماعی ظهور روایات مذکور است، دلیلی بر حمل روایات بر غیر معنای ظاهر قرار داده است.

وحید بهبهانی نیز همچون محدث بحرانی با توجه به آثار اجتماعی حکم و با استناد به قاعده اختلال نظام، در این مسئله می‌گوید احراز وصف عدالت از امور مبتلا به است و در معاملات و عبادات به آن نیاز فراوانی است، به‌گونه‌ای که در بسیاری از امور معاش و معاد بدان نیاز است؛ پس اگر عدالت چنین باشد که عده‌ای گفته‌اند، نظام شرعی مختل شده و اموری که به احراز آن نیازمند است تعطیل می‌شود (بهبهانی، ۱۴۲۴: ۴۴۱/۱).

بنابراین حکم حرمت اختلال نظام و وجوب حفظ نظام دو نمونه بارز توجه فقها به تبعات و آثار احکام شرعی است که به‌عنوان حدود و مرز احکام بیان شده است. یعنی هیچ حکمی نباید منتهی به اختلال نظام شود یا هر حکمی که موجب حفظ نظام شود، مطابق آن فتوا صادر

می‌کنند. تطبیقات این قاعده نیز در فقه فراوان است اما در این مجال صرفاً به بیان چند نمونه اکتفا شد.

۱-۱-۱. قاعده فقهی عدالت

این قاعده نیز همچون قاعده حرمت اختلال نظام یا وجوب حفظ نظام، یکی از نمونه‌های توجه فقها به آثار و تبعات احکام شرعی و فتاوی صادره از سوی آنهاست. در این موارد فقیه به دلیل جلوگیری از ظلم ناشی از اثر اجتماعی فتوای خود یا به جهت برقراری عدالت ناشی از اثر اجتماعی فتوای خود، فتوای دیگری صادر می‌کند که اگر توجه به این اثر اجتماعی نبود، چنین فتوایی صادر نمی‌شد.

نمونه‌هایی از این توجه را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

الف) توجه به آثار اجتماعی حکم درباره مشروعیت حیل ربا

مشهور فقها قائل به جواز تمسک به حیل ربا شده‌اند و روایات متعددی مستند این حکم است (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۶۲/۱۸). ولی برخی فقهای معاصر، شهرت را به دلیل مدرکی بودنش نمی‌پذیرند (خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۱/۲) و در مورد آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتِغُوا فَالْكُمُ رُؤُسَ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) می‌گویند ظهور در ظلم بودن گرفتن زیاده، از نظر شارع دارد. از این آیه و روایات دیگر (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۲۱/۱۸) در کنار یکدیگر مشخص می‌شود که علت حرمت ربا ظلم است. با توجه به اینکه مفسد مترتب بر ربا و گرفتن زیاده دقیقه یکسان است، پذیرش حرمت ربا و روایات دال بر جواز زیاده گرفتن به معنای تناقض در جعل بلکه لغویت حکم حرمت رباست (خمینی، ۱۳۹۲: ۵۹۸/۲).

در حقیقت امام خمینی با کشف ملاک حرمت ربا یعنی ظلم بودن آن، پی به این نکته برده‌اند عملی که همان نتیجه ربا را دارد مصداق ظلم به دیگران است لذا حکم شخصی به جواز در چنین مواردی تبعات و آثاری برای دیگران دارد که نمی‌توان به آنها توجه نکرد، چون ظلم به دیگران در اسلام به شدت مورد نهی است. مشکل دیگر مشروعیت حیل ربا غیر از اثر

اجتماعی ظلم، تناقض در جعل بلکه لغویت حکم ربا می‌باشد.

ب) توجه به آثار اجتماعی حکم در ترجیح بین روایت‌های متعارض

گروهی از دانشوران فقه و اصول معتقدند، هنگام تعارض، تنها مرجحاتی که در قرآن و روایات آمده‌اند، نظیر موافقت با کتاب، معتبر است و غیرازاین مرجحات اعتباری ندارد. بر مبنای این دیدگاه چون در قرآن کریم هم به عدالت امر و هم از ظلم و بغی نهی شده است (نحل: ۹۰)؛ اگر یکی از دو روایت با عدالت موافق و با ظلم مخالف باشد و روایت دیگر چنین نباشد، روایت موافق با عدالت و مخالف با ظلم، مقدم و حجت خواهد بود و روایت دیگر حجت نخواهد بود. ناگفته نماند که این موافقت یکی از مصادیق موافقت با کتاب است (ضیائی فر، ۱۳۹۳: ۳۱۸).

ج) تخصیص حق انحصاری زوج در طلاق

در فقه امامیه حق طلاق فقط برای مرد است و زن چنین حقی ندارد. شهید مطهری در موردی که مرد برای همسر خود مشکلات متعددی به وجود آورده و به وظایف زوجیت عمل نمی‌کند و از طرفی به طلاق نیز رضایت نمی‌دهد قائل است این که بپذیریم در این مسئله چاره‌ای نیست و زن باید تحمل کند برخلاف اصول مسلم اسلام است و با عدالتی که از اهداف اصلی اسلام و همه انبیاء الهی است ناسازگار است چرا که مستلزم ظلم به زن است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۷۳). از این سخن شهید مطهری ممکن است چنین استفاده کرد که انحصار حق طلاق برای زوج از جمله احکام و فتاوی مشهور است اما تنها در صورتی ثابت است که اثری سوء و منتهی به ظلم به زن نداشته باشد و اگر عدم طلاق مرد مستلزم ظلم به زن باشد، این حکم و فتوا نقض می‌شود.^۱ با توجه به آنچه بیان شد مشخص می‌شود یکی از آثار اجتماعی مؤثر در تغییر فتوا جلوگیری از ظلم و تحقق عدالت است. در مثال‌های فوق آشکارا مشخص شد که فقها به دلیل توجه به این اثر، با آنچه مشهور است یا از سوی برخی بیان شده است به مخالفت پرداخته‌اند و آثاری که احکام شخصی به لحاظ اجتماعی بر دیگران داشته، موجب تغییر آن احکام شده است.

۳-۱-۱. قاعده لا ضرر

در مفاد قاعده لا ضرر اختلافات فراوانی میان فقها وجود دارد اما معنایی که ظاهر اولیه حدیث دلالت بر آن داشته و با توجه به مورد روایت اتفاق نظر بر آن می‌باشد، حرمت ضرر رساندن به دیگری و نفی حکم ضرری در شریعت است. پس هر عبادت یا معامله‌ای که منجر به ضرر شود، نفی شده است (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۴۳).

زمانی که مستند فتوای فقهی قاعده لا ضرر باشد یعنی ایشان به اثر اجتماعی فتوای خود توجه کرده و بدین نتیجه رسیده است که این فتوا منجر به تحقق اثر ضرر می‌شود پس برای جلوگیری از تحقق ضرری که منشأ آن فتوای این فقیه است حکم به خلاف آن کرده و از اثر اجتماعی ضرر جلوگیری کرده است. لازم به ذکر است در معنای اثر اجتماعی فتوا اشاره شد که مقصود اثرگذاری بر دیگران است و حتی اگر فتوا بر یک نفر دیگر نیز اثر ضرر را داشته باشد و به خاطر جلوگیری از این ضرر فتوای دیگری صادر شده باشد، برای اثبات مدعی کافی است. تمسک به قاعده لا ضرر و تأثیر آن در فتوا نیز نمونه‌های فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) توجه به اثر اجتماعی حکم درباره کندن زراعت زمین فروخته شده

اگر شخصی زمینی را به صورت مطلق فروخت در حالی که زراعتی مثل گندم یا جو در آن وجود دارد و در حکم زراعت اختلاف شد؛ شافعی می‌گوید زراعت برای فروشنده است و مشتری باید زمین را تا زمان درو بر همین صورت باقی بگذارد (شافعی، ۱۴۰۳: ۴۴/۳). اما شیخ طوسی فتوای شافعی را مستلزم ضرر به مشتری دانسته و بر اساس قاعده لا ضرر حکم می‌دهد به این که فروشنده باید زراعت خود را منتقل کرده و زمین خالی را به مشتری تحویل دهد (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۳).

توجه به اثر اجتماعی حکم در کلام شیخ طوسی و نقد دیدگاه شافعی به خوبی نمایان است و ایشان بر اساس آن حکمی متفاوت از فتوای شافعی را نتیجه‌گیری می‌کند. چنانچه در تعریف آثار اجتماعی بیان شد مراد آثاری است که یک فتوا ممکن است برای دیگران داشته باشد. و در

این مسئله نیز چنین اثری مشهود است و موجب ضرر به مشتری و اختلافات فراوانی بین خریدار و فروشنده می‌شود.

ب) اجاره آسیاب در صورت کم بودن آب

قاضی ابن براج در یکی از فروع اجاره می‌گوید زمانی که انسان آسیابی را با ابزارش اجاره کرده است اما آب آسیاب کم است تا حدی که به آرد کردن او ضرر می‌رساند؛ در این صورت باید ضرر وارد شده را بررسی کند. اگر ضرر فاحش است می‌تواند قرارداد اجاره را لغو کند، اما اگر ضرر غیر فاحش است اجاره لازم است (ابن براج، ۱۴۰۶: ۱/۴۹۵). ایشان فتوای خود را معلق بر اثر اجتماعی آن کرده و گفته‌اند اگر اثر آن ضرر فاحش باشد، اجاره لازم نیست ولی اگر اثر اجتماعی آن ضرر غیر فاحش باشد اجاره لازم است.

ج) سبب شرعیت حکم

برخی فقهای امامیه معتقدند «نفی ضرر سبب شرعیت حکم است» در ادامه نیز مثال‌هایی مثل جواز صلح با کفار هنگام عجز از مقاومت و شرعیت حق شفعه و سخت‌گیری نسبت به غاصب را بیان می‌کنند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۱۰: ۴۷).

توضیح اینکه احکامی مثل وجوب مبارزه و قتال با کفار با شرایط خاص خود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲/۳۸۶) در صورتی که امکان مقاومت برای مسلمانان وجود نداشته باشد و شکست و ضرر ایشان حتمی باشد تغییر کرده و به تعبیری که گذشت نفی ضرر سبب شرعیت حکم جواز صلح با کفار می‌شود علیرغم این که در صورت عدم وجود ضرر قطعاً چنین حکمی مشروع نیست. پس فقیه می‌تواند با ملاحظه‌ی اثر اجتماعی ضرر، حکمی مخالف حکم اولی صادر کند.

د) تقدیم در طرح دعوا

صاحب ریاض در یکی از فروع کتاب القضاء می‌گوید اگر دو گروه برای طرح دعوا نزد قاضی حاضر شوند. اگر به ترتیب داخل شدند ابتدا به ادعای گروه اول و سپس به گروه دیگر پرداخته

می‌شود، ولی اگر باهم وارد شدند نام‌های ایشان در ظرفی ریخته شده و قرعه‌کشی می‌شود، مگر این‌که به سبب تأخیر در رسیدگی یکی از آن‌ها متضرر شود که در این صورت به جهت جلوگیری از ضرر مقدم می‌شود (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸: ۶۰/۱۵). ایشان با توجه به اثر اجتماعی ضرر که متوجه یکی از طرفین می‌شود فتوا به تقدیم آن کرده است.

با توجه به مفاد قاعده لا ضرر می‌توان گفت هر حکم فقهی که اثر اجتماعی آن ضرر به دیگران باشد برداشته شده است پس بر فقیه لازم است که به اثر اجتماعی فتوای خود توجه کند که منجر به ضرر می‌شود یا خیر. در صورتی که فتوا منجر به ضرر شود، بر اساس قاعده لا ضرر چنین فتوایی مرفوع است و در شریعت پذیرفته شده نیست.

۴-۱-۱. وجوب تقیه

تقیه در لغت به معنی پرهیز کردن و در فقه، عبارت است از این‌که مسلمان از باب مماشات با کفار و صاحبان ادیان دیگر و یا مذاهب دیگر عمل به قانون شرع را ترک نماید (مروج، ۱۳۷۹: ۱۳۹). اهمیت و ضرورت تقیه بر کسی پوشیده نیست. چنان‌که در روایات عدم تقیه را مساوی با عدم دین و ایمان و رعایت تقیه را محبوب نزد خداوند دانسته‌اند.^۲ بر فقیه لازم است قبل از صدور فتوای خود به جامعه مخاطب خود توجه داشته باشد که آیا رعایت تقیه لازم است یا خیر و سپس فتوای خود را صادر کند. طبیعی است در صورتی که تقیه لازم باشد بر فقیه لازم است فتوای متناسب با آن صادر کند. به بیان دیگر مدعی این است که اثر اجتماعی فتوا در صورتی که تقیه لازم باشد، در برخی موارد منجر به تغییر برخی از فتاوا می‌شود. چنانچه معصومین نیز به این مسئله در بیان احکام توجه داشته و روایات تقیه‌ای متعددی از سوی ایشان صادر شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۸۰/۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۸۲/۱ و ۴۷۲/۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۰۱/۸).

توجه به تقیه و تأثیر آن در فتوا نیز نمونه‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) وجوب اطاعت از سلطان

شیخ حر عاملی در کتاب خود پیش از ذکر روایات هر باب فتوای خودشان را در عنوان بیان

می‌کنند و سپس روایات ذیل آن را بیان می‌کنند. یکی از این ابواب «وجوب اطاعت سلطان به خاطر تقیه» است که در ذیل آن به سه روایت نیز اشاره می‌کنند؛ در یکی از این روایات آمده است «قَالَ: لَوْلَا أَنِّي سَمِعْتُ فِي خَبْرٍ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، أَنَّ طَاعَةَ السُّلْطَانِ لِلتَّقِيَّةِ وَاجِبَةٌ إِذَا مَا أَحْبَبْتُ» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۲۱/۸).

اطاعت از سلطان در حالتی غیر از تقیه واجب نیست اما به دلیل تقیه این حکم از سوی امام واجب دانسته شده است.

ب) تقیه در عبادات

یکی از فقهای قرن هفتم هجری چنین فتوا داده است «شستن دوپا در وضو بجای مسح آن‌ها جایز نیست مگر برای تقیه» (ابن سعید، ۱۴۰۵: ۳۵). فقیه دیگری می‌گوید «گفتن کلمه آمین هرچند در غیر از آخر سوره حمد، حرام است و نماز را باطل می‌کند مگر اینکه برای تقیه باشد» (محقق کرکی، ۱۴۰۹: ۱۱۰/۱).

ج) جواز کذب

مرحوم کاشف الغطاء یکی از موارد جواز عمل حرام کذب را در هنگام رعایت تقیه می‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ۵۵).

در سه مورد اخیر فقها بنا بر اثر اجتماعی فتوای خلاف تقیه که منجر به تعرض به جان شیعیان می‌شده است، فتوا به جواز انجام برخی اعمال حرام داده‌اند. در صورتی که اگر چنین اثر اجتماعی وجود نداشت، فتوای ایشان نیز متفاوت بود.

در دایره و محدوده‌ی جریان تقیه اختلافاتی میان فقها به چشم می‌خورد لکن در مورد جان مؤمنین اختلافی وجود ندارد (تبریزی، ۱۴۲۹: ۴۳۷/۴). پس می‌توان گفت همان‌گونه که بر همه‌ی مکلفین تقیه واجب است بر مجتهد نیز تقیه واجب است و در مواردی که اثر اجتماعی فتوا تعرض به جان مؤمنین است، صدور چنین فتوایی جایز نیست. پس لازم است فقیه به اثر اجتماعی فتوای خود از این جهت نیز توجه داشته و سپس آن را اعلام کند. لازم به ذکر است

هرچند انجام امور و تکالیف بیان شده بر عهده‌ی شخص مکلف است اما عمل مکلف به خاطر حفظ جان یا عدم شناسایی خود او و سایر مؤمنان می‌باشد و واضح است در صورتی که این اثر اجتماعی وجود نداشته باشد، عمل به این فتوا نیز جایز نیست.

۱-۱-۵. جمع‌بندی قول لزوم توجه به آثار اجتماعی فتوا

از مجموع مثال‌های فوق روشن می‌شود که توجه به آثار اجتماعی فتوا در فقه از گذشته تا به امروز وجود داشته است و در تغییر فتاوا نیز نقش جدی ایفا کرده است. پس به جهت مشروعیت فتوای صادره باید این قیود لحاظ شده و سپس فتوا صادر شود لازمه لحاظ قیود، بررسی آثار اجتماعی هرکدام می‌باشد. باید توجه داشت بنا بر مبنای عده‌ای که قائل به حجیت اطمینان حاصل از قرائن ظنی هستند حتی اگر در هرکدام از مصادیق بتوان مناقشه کرد اما از مجموع مصادیق بیان شده می‌توان اطمینان به لزوم پیدا کرد.

۱-۲. عدم لزوم توجه به آثار اجتماعی فتوا

تنها گروهی که امکان دارد چنین دیدگاهی داشته باشند، معتقدین به فقه فردی است. این نگاه فقه را دانش تنظیم ارتباط انسان با خدا می‌داند، حلال و حرام را به حوزه‌ی فردی اعمال فردی انسان محدود می‌کند. در این نگاه، فقیه می‌تواند بخشی از فقه یا همه بخش‌ها را درحالی‌که نظام‌واره‌ای بین این بخش‌ها وجود ندارد، استنباط کند (عندلیب، ۱۳۹۶: ۱۱۳). روشن است مدافعین این نظریه صرفاً به اثر فردی فتوا توجه داشته و نیازی به بررسی آثار اجتماعی فتوای خود نمی‌بینند.

۱-۲-۱. دلیل عدم وجوب توجه به آثار اجتماعی فتوا

به نظر نگارنده تنها دلیلی که می‌تواند عدم وجوب را ثبات کند، تمسک به اصل عملی برائت نسبت به تکلیف است. مورد محل بحث شک بدوی نسبت به اصل وجود تکلیف است و مشهور اصل عملی برائت را در چنین حالتی جاری می‌دانند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی،

۱۳۸۹: ۲۰۶). پس مجتهد نسبت به آثار اجتماعی فتوا وظیفه‌ای نداشته و نیازی به بررسی آن نخواهد بود.

۲-۱-۲. نقد و بررسی

اصل برائت مشروط به فحص و یأس از دستیابی نسبت به دلیل است. پس صرف شک در تکلیف درحالی که فحوصی انجام نشده و گمان می‌رود دلیلی در مقام وجود داشته باشد، جایز نیست (صدر، ۱۴۳۷: ۲۷۸). پس در محل بحث نمی‌توان اصل برائت را جاری کرد؛ زیرا در بخش ادله و جوب توجه به آثار اجتماعی فتوا به ادله متعددی که در مقام وجود دارد اشاره شد. زمانی که شرط (یأس از وجود دلیل) منتفی شود، مشروط (اصل برائت) نیز منتفی می‌شود. با توجه به اینکه دلیل مستقلی در اثبات مدعای مذکور یافت نشد و همچنین دلیل احتمالی نیز رد شد می‌توان این احتمال را رد کرد. باید توجه داشت حتی بنا بر مبنای قائلین به فقه فردی و عدم پذیرش فقه حکومتی توسط ایشان؛ با توجه به ادله بیان شده، وجوب توجه به آثار اجتماعی بر ایشان نیز منجز است و مدرک آن نیز نوعاً از احکام فقه فردی استخراج شده است پس این گروه عذری در برابر عدم پذیرش این قول ندارند.

۲. تطبیق فقهی پژوهش

یکی از پیشنهادهای مطرح جهت حل معضلات ثبتي معاملات اموال غیرمنقول، طراحی سامانه ثبت اموال غیرمنقول است. در دسترس نبودن سامانه‌ای جهت ثبت معاملات اموال غیرمنقول باعث ایجاد جرم‌های متعددی از جمله کلاه‌برداری، جعل، خیانت‌درامانت، زمین‌خواری و... گردیده و علاوه بر آن مشکلات متعددی از جمله خرد شدن اراضی کشاورزی، ضعف در مدیریت بحران‌ها و بلاهای طبیعی، حجم بالای پرونده‌های قضائی و تشدید اطاله دادرسی و... به وجود آورده است. مانع جدی ایجاد چنین سامانه‌ای اعتبار امارات در معاملات است که معاملات خارج از سامانه را نیز معتبر می‌داند. یکی از پیشنهادهایی که می‌توان نسبت به این مسئله مطرح کرد این است که گفته شود بر فقیه لازم است با لحاظ اثر اجتماعی حجیت

امارات در چنین فرضی که اثر آن اختلال نظام و ظلم است، حکم به عدم حجیت این امارات در فرض مذکور داده و از ظلم و اختلال نظام ناشی از این حکم جلوگیری کرد.

نتیجه

یکی از احکام باب اجتهاد و تقلید که مخاطب آن مجتهد است، وجوب توجه به آثار اجتماعی فتوا می باشد.

مشخص کردن شاخصه های لازم جهت بررسی توسط فقیه نیازمند پژوهشی مستقل است و این نوشته درصدد اثبات اصل حکم وجوب بوده و به صورت مستقل شاخصه ها را بررسی نکرده است. اما می توان مواردی مثل عدم اختلال نظام، تحقق عدالت، عدم ظلم، عدم ضرر و رعایت تقیه را جزو اثرات اجتماعی نامبرد که بر فقیه لازم است به آنها توجه داشته و سپس فتوای خود را صادر نماید.

امروزه با پیشرفت علم می توان اثر اجتماعی هر فتوا را به صورت دقیق رصد کرده و با توجه به آن فتوایی را تغییر، تخصیص یا توسعه داد. با توجه به گسترش جوامع و تحقق حکومت اسلامی توجه به این اثرات می تواند تأثیر بسزایی در شیوه اجتهاد و صدور فتاوا داشته باشد و فقه را وارد عرصه اجتماع کرده و پاسخگوی نیازهای امروز بنماید. تنها در چنین حالتی است که می توان گفت فقه توانایی طراحی تئوری واقعی و کامل اداره زندگی انسان از گهواره تاگور را دارد. باید توجه داشت تمامی احکام صادرشده در این صورت از احکام اولیه بوده و ارتباطی با احکام ثانویه ندارد.

پی‌نوشت‌ها

-
۱. البته درباره اینکه راهکار در این موارد چیست محل بحث است که مجالی برای پرداختن به آن نیست. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: امیدی بهنام و همکاران «مصادیق «طلاق به اختیار زوجه» در فقه اسلامی، حقوق مصر و ایران». پژوهشنامه حقوق اسلامی. شماره ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۵۳ تا ۸۰.
 ۲. امام صادق می‌فرماید «تقیه دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه نمی‌کند، ایمان ندارد» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰۴/۱۶) «امام رضا می‌فرماید کسی که ورع ندارد، دین ندارد کسی که تقیه نمی‌کند، ایمان ندارد و باتقواترین شما نزد خداوند کسی است که بیشتر از دیگران به تقیه عمل می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۱۶) در روایت دیگری امام صادق می‌فرماید «خداوند به چیزی محبوب‌تر از خبء عبادت نشده است. سؤال می‌شود خبء چیست ایشان می‌فرماید تقیه» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰۷/۱۶)

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، **الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية**، محقق: محمد حسون، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۱۰ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، **المهذب**، گردآورنده موسسه سیدالشهداء، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- ابن سعید، یحیی بن احمد، **الجامع للشرائع**، مصحح: جعفر سبحانی تبریزی و جمعی از نویسندگان، قم، موسسه سیدالشهداء رحمته الله، ۱۴۰۵ ق.
- احمد ابن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، محقق: محمد تقی ایروانی و عبدالرزاق مقرر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، **مصاییح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع**، قم، موسسه علامه مجدّد و حید بهبهانی، ۱۴۲۴ ق.
- تبریزی، جواد، **تنقیح مبانی العروة (الطهارة)**، قم، دارالصدیقة الشهيدة رحمته الله، ۱۴۲۹ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البيت رحمته الله لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- خلیل بن احمد، العین، محقق: ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی، گردآوری: محسن آل عصفور، قم، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
- خمینی، روح الله، **الرسائل**، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- _____، **صحیفه امام**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
- _____، **کتاب البیع**، محقق موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، ۱۳۹۲.

- خویی، ابوالقاسم، *دراسات في علم الأصول*، مقرر: علی هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، به کوشش ایرج مهرکی و دیگران، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- شافعی، الأم فقه المذهب الشافعی، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، *موسوعة الشهيد الأول*، قم، مرکز احیای آثار اسلامی، ۱۴۳۰ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، قم، مکتبه الداوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- صدر، محمدباقر، *دروس في علم الاصول (الحلقتان الاولى و الثانية)*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۳۷ق.
- ضیائی فر، سعید، «گونه‌های بهره‌گیری از عدالت در فقه و اجتهاد»، *پژوهش‌های فقهی*، دوره ۱۰، ش ۲، ۱۳۹۳، ۳۰۵ تا ۳۲۲.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی، *ریاض المسائل*، محقق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الخلافا*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
- عندلیب، حسین، «تشابهات و تمایزات فقه فردی و حکومتی»، *international Multidisciplinary Journal of Pure Life*، ش ۹، بهار ۱۳۹۶.
- کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر، *شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر*، نجف اشرف، الذخائر، ۱۴۲۰ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محققین: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین، *رسائل المحقق الکرکی (الرسالة الجعفرية)*، گردآوری: محمود

مرعشی، محقق: محمد حسون، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
چاپ اول، ۱۳۸۹.

مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، قم، بخشایش، ۱۳۷۹.

مصطفوی، محمد کاظم، القواعد الفقهية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۲۱ق.

مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ هفتاد و هشتم، ۱۴۲۱ق.

نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، مصحح: سید جواد ورعی، قم، بوستان کتاب،
چاپ چهارم، ۱۳۹۶.

نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، محققین: محمود قوچانی و دیگران، مصحح: ابراهیم
میانجی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی و التعليقات علیها، قم، مؤسسة السبطين العالمیة، ۱۳۸۸.

